خبر

یلدا در تلویزیون چه خبر است؟

بخش فرهنگی – اغلب شبکه‌های تلویزیون به‌مناسبت شب یلدا برنامه‌های روتین خود را با حال و هوای این مناسبت ملی به روی آنتن می‌برند. برنامه‌های «دستپخت»، «ایرانیش»، «زوجینو»، «شب‌های هنر»، «نار» و «کتاب‌باز» در طولانی‌ترین شب سال به صورت ویژه‌برنامه از شبکه‌های مختلف تلویزیونی پخش می شوند. برنامه «رادیو هفت» که مدتی تعطیل بود نیز همزمان با شب یلدا پخش خود را از سر می‌گیرد.

شبکه یک

برنامه «دستپخت» که این روزها همچنان با حاشیه دست و پنجه نرم می‌کند، به مناسبت یلدا ویژه از شبکه یک به روی آنتن خواهد رفت. «دستپخت» با حضور سه تن از بازیگران به عنوان داوران مسابقه روی آنتن می‌رود و شرکت کنندگان قرار است غذاهای محلی و سفره آرایی مخصوص شب یلدا را به نمایش بگذارند. این برنامه از ساعت ۱۹ و ۳۰ پخش می شود.

شبکه دو

شبکه دو سیما با ویژه‌برنامه «ایرانیش» با اجرای مجید واشقانی و گیتی خامنه، به گرامیداشت این آیین کهن ایرانی و جشن ولادت حضرت زینب (س) می‌پردازد. ویژه‌برنامه «ایرانیش» به مناسبت شب یلدا طی دو شب شنبه و یکشنبه (۲۹ و ۳۰ آذر ماه) بعد از گفت وگوی ویژه خبری روانه آنتن خواهد شد.

بازی‌هایی که در گذشته خانواده‌های ایرانی در شب یلدا به آنها می‌پرداختند در کنار حضور هنرمندان، ورزشکاران، خوانندگان و البته مهمانانی از جنس کادر درمان و چهره‌های مختلف اجتماعی درون مایه اصلی این ویژه‌برنامه را تشکیل می دهد.

شبکه سه

شبکه سه سیما تاکنون از برنامه «زوجینو» و «عطسه» به عنوان گزینه‌های ویژه برنامه شب یلدا یاد کرده است.

شبکه چهار

شبکه چهار سیما با ویژه برنامه «شب‌های هنر» به استقبال شب یلدا می رود. این برنامه با حضور هنرمندان و کارشناسان حوزه فرهنگ و هنر روی آنتن می‌رود. حضور نادر مشایخی همزمان با شب یلدا در این برنامه قطعی شده است. همچنین قرار است یک گروه موسیقی هم در برنامه حاضر شود. جواد مولانیا، علیرضا بهرامی و رضا مهدوی اجرای این برنامه را بر عهده دارند. «شب‌های هنر» همزمان با شب یلدا ساعت ۲۲ به روی آنتن خواهد رفت.

شبکه پنج

فرشید محمودی، تهیه کننده ویژه برنامه «انار» شبکه پنج سیما در گفت و گویی با ایسنا، درباره جزئیات این برنامه توضیح داد: در فضایی سنتی به مرور خاطرات یلدا با حضور هنرمندان، خوانندگان و گویندگان خواهیم پرداخت. ضمن اینکه حضور خوانندگان در این برنامه بیشتر به چشم خواهد آمد. به نوعی که سعی کرده ایم حس و حال موسیقایی بیشتری به مخاطبان منتقل کنیم. به گفته این تهیه کننده، بهمن هاشمی و سید مرتضی حسینی اجرای برنامه «انار» در شبکه پنج را بر عهده دارند. این ویژه برنامه به مناسبت شب یلدا از روز جمعه ساعت ۲۱ آغاز می شود و شنبه و یکشنبه هم پخش آن در شبکه تهران ادامه خواهد داشت.

شبکه آموزش

«رادیو هفت» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی مشترک منصور ضابطیان و محمد صوفی یکشنبه ساعت ۲۲ پخش خود را آغاز می‌کند. این برنامه با اجرای منصور ضابطیان و رشید کاکاوند و چند مجری دیگر، شب یلدا به روی آنتن می‌رود. هنرمندان در این برنامه به دلیل شرایط کرونا حضور ندارند و آیتم های خود را ضبط و ارسال خواهند کرد.

شبکه نسیم

برنامه های نسیم آوا، ویتامین خ، کتاب باز، شوتبال و کودک شو نیز به مناسبت شب یلدا ویژه به روی آنتن خواهند رفت.

عصبانیت شدید تام کروز سر صحنه فیلمبرداری

بخش فرهنگی – تام کروز از سهل‌انگاری در رعایت پروتکل‌های بهداشتی در صحنه فیلمبرداری «ماموریت غیرممکن» عصبانی شد و عوامل را تهدید به اخراج کرد.

تام کروز درباره رعایت پروتکل‌های بهداشتی با هیچکس شوخی ندارد. او که اکنون مشغول فیلمبرداری قسمتی تازه از مجموعه «ماموریت غیرممکن» است، با رفتارش این امر را ثابت کرده است. او در صحنه فیلمبرداری «ماموریت غیرممکن ۷» پس از اینکه متوجه شد برخی کارکنان فاصله‌گذاری را رعایت نمی‌کنند و بیش از حد نزدیک به هم ایستاده‌اند، با عصبانت آن‌ها را تهدید به اخراج از کار کرد. در صدای ضبط‌شده‌ای که از این رویداد به دست رسانه‌ها رسیده است، تام کروز می‌گوید: «به خاطر استانداردهای ما است که دوباره هالیوود تولید را از سر گرفته است. چون به ما و آنچه می‌کنیم باور دارند. من هر شب با استودیوهای فیلمسازی، شرکت‌های بیمه و تهیه‌کنندگان صحبت می‌کنم، نگاهشان به ما است. ما هزاران شغل ساخته‌ایم.» او سپس با لحنی عصبانی به شغل‌هایی اشاره می‌کند که در اثر همه‌گیری و توقف تولیدات سینمایی از میان رفته‌اند و می‌گوید: «معذرت‌خواهی شما به درد من نمی‌خورد. دیگر نمی‌خواهم شاهد تکرار این رفتارها باشم. اگر بار دیگر ببینم که پروتکل‌ها را رعایت نمی‌کنید، اخراجتان می‌کنم.» فیلمبرداری «ماموریت غیرممکن ۷» با استانداردهای سخت‌گیرانه بهداشتی در انگلستان ادامه دارد.

پاشا یثربی، آهنگساز مطرح کرد:

نفهمیدم چرا ممنوع‌الکار شدم و چرا مجاز، خودشان بریدند و دوختند

بخش فرهنگی – یک آهنگساز و تنظیم‌کننده موسیقی می‌گوید: تهیه‌کننده‌ها پل ارتباطی میان هنرمندان و حاکمیت هستند. حال اگر برخی خوانندگان امروزی را کنار هم بگذارید مجموع سواد همه آن‌ها سر سوزنی خلاء هنرمندانی چون خشایار اعتمادی را پرنخواهد کرد. خشایار اعتمادی، علیرضا عصار، زنده‌یاد ناصر عبداللهی، نیما مسیحا، مانی رهنما و حمید حامی خوانندگانی هستند که سواد موسیقی دارند و باتجربه‌اند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، بی‌شک یکی از کاربردهای موسیقی بهره‌گیری از آن در شرایط بحرانی است و حال با گذشت یک سال از بحران کرونا زندگی نسبت به قبل دشوارتر شده و این وضعیت بر روحیه عموم مردم تاثیرات منفی داشته است.

بی‌راه نیست اگر بگوییم در حال حاضر مردم و مخاطبان بیش از هر زمان دیگر به شنیدن آثار به محتوا و با کیفیت احتیاج دارند و این مهم تنها با فعالیت هنرمندان کاربلد و متخصص میسر خواهد شد. پاشا یثربی از فعالان موسیقی نسل‌های قبل است که هنوز کم و بیش فعال است و با خوانندگان نسل‌های پس از خود در مقام آهنگساز همکاری می‌کند. او در گفتگویش با ایلنا از کاربرد سمپل در موسیقی و کارکردهای آن سخن گفت و به ارزیابی وضعیت موسیقی پاپ امروز پرداخت.

◆ به نظر می‌رسد که کاربرد سمپل‌ها در موسیقی دیگر کشورها چیز دیگری است و ما در ایران از آن استفاده‌های دیگری می‌کنیم. آیا همینطور است؟

این مبحث بسیار کلی است، اما می‌توانم بگویم که در ابتدا ذهنیت‌ها برای ساخت مقوله «سمپل» چیز دیگری بوده است. کار کرد اصلی سمپل این است که آهنگساز پیش از آنکه اثرش را با ارکستر اجرا کند، بتواند صدایی تقریبی از کلیت کارش داشته باشد.

◆ چیزی مانند اتود؟

بله، اما در واقع این تکنولوژی تا آن حد پیشرفت کرد که سمپل در بسیاری مواقع جایگزین مقولات دیگر شد. کاربرد سمپل در ایران بنا به دلایلی شکل دیگری پیدا کرده است. در ایران دستمزدها بسیار پایین است و متولیان و تهیه‌کنندگان برای کسب سود بیشتر ترجیح می‌دهند به آهنگساز و نوازنده و تنظیم کننده پول ندهند، به همین دلیل از مقطعی به بعد، سمپل کاربرد و جایگاه دیگری پیدا کرد و اتفاقا جواب هم داد. از طرفی عده‌ای به اشتباه فکر می‌کنند با وجود سمپل عوامل سازنده کاری نمی‌کنند و مثلا با زدن دکمه‌ای بخش یا بخش‌های از اثر اجرا، و در نهایت آهنگ پخش می‌شود در صورتی که اینطور نیست. بسیاری افراد نیز با وجود سمپل و به‌کارگیری ترفندهایی آهنگساز شده‌اند. تنظیم‌کننده‌های ما نیز دوسته‌اند: دسته اول آن‌هایی که می‌نشینند و فکر می‌کنند و کاری را می‌سازند که در این زمینه افراد و هنرمندان خوبی داریم. دسته دوم افرادی هستند که اثر یا آثارشان را کولاژ می‌کنند که تعدادشان بسیار زیاد است و حال برای خودشان برو بیایی دارند. اغلب این افراد از نسل‌های جدید هستند. آثاری که توسط این افراد ساخته می‌شود هیچ محتوایی ندارد و به لحاظ تفکر و تنظیم تکراری هستند، اما از آن‌ها حمایت می‌شود!

◆ استفاده نابجا از «سمپل» باعث شده بسیاری از آهنگسازان و نوازندگان بیکار باشند و گویا ابزار و ادوات کامپیوتری جای آن‌ها را گرفته است.

بله، متاسفانه همینطور است که می‌گویید. اما همانطور که گفتم هنوز هم هستند آهنگسازان و تنظیم‌کنندگانی که کولاژ نمی‌کنند و با شیوه درست کار می‌کنند و همچنان به ساز زنده اعتقاد دارند. اگر در این زمینه از کسی نام نمی‌برنم به این دلیل است که نمی‌خواهم کسی از قلم بیفتد.

◆ می‌توان گفت وجود سمپل‌ها و دیگر ادوات و نرم افزارها به نوعی موسیقی پاپ کلاسیک ما را محو کرد. سال‌هاست که ارکستر و رهبری ارکسترهای پاپ معنای خودش را از دست داده و خوانندگان با دو سه نوازنده سر و ته کنسرت را هم می‌آورند.

متاسفانه همینطور است. خوانندگان جوانی که جویای نام و شهرت بودند صرفا برای اینکه مطرح شوند و صفحه اینستاگرامی با تعداد بالای فالور داشته باشند و صاحب ویترین شوند، پذیرفتند که بی‌هیچ قیمتی روی صحنه بروند. این رویه و منظر برای خواننده و تهیه‌کننده بد نیست زیرا درآمد و سودشان بیشتر می‌شود. اینکه مثلا کل ارکستر را در شب کنسرت با پنج، شش میلیون تومان روی صحنه ببرند، یعنی سود بیشتر به جیب خودشان رفته و در عین حال چند جوان نیز روی صحنه رفته‌اند و از این اتفاق خوشحالند.

◆ تاوان این رفتارها را آهنگسازان و نوازندگانی می‌دهند که کاربلد هستند، اما در خانه نشسته‌اند، زیرا به وجودشان احتیاجی نیست.

البته باید گفت نوازندگان و فعالان کاربلد با وجود اوضاع بد فعلی بازهم به هرکاری تن نمی‌دهند. مثلا همایون نصیری به جز آنکه مدیریت و سرپرستی گروه «دارکوب» را به عهده دارد، زمانی روی صحنه می‌رود که آن کار دارای ارزش باشد مانند کنسرت‌های اخیرش با همایون شجریان. شما تصور می‌کنید چنین فردی حتی با پول و دستمزد خیلی بالا پشت خواننده‌ی ناکارآزموده‌ای می‌ایستد و ساز می‌زند؟ مطمئنم چنین کاری نمی‌کند اما می‌خواهم بدانم نوازندگان با تجربه و کاربلد با آن سابقه بسیار و دانش بسیار و توانایی بالا، چرا باید در خانه بنشینند یا مهاجرت کنند؟ این واقعیت دردناکی است که تهیه‌کنندگان سودجو رقم زده‌اند و هنر را از آن جایگاه والا به هجویات رسانده‌اند. البته فقط موسیقی نیست که چنین اوضاعی دارد. سینمای ما نیز چنین وضعیتی دارد و آثار تولید شده سینمایی و تلویزیونی طی سالهای اخیر گواه این نابسامانی است.

◆ شما با خوانندگان جوان عرصه پاپ همکاری‌هایی داشته‌اید. مثلا قرار بود با امین رستمی همکاری‌هایی داشته باشید یا با خواننده‌ای همکاری می‌کردید که فریاد نام داشت و قرار بود آثاری را برای او در قالب آلبوم بسازید.

بله، در حال حاضر نیز بیشتر با خوانندگان جوان همکاری می‌کنم. با امین رستمی

مشغول همکاری بودیم و آثاری را تولید می‌کردیم که از میان آن‌ها قطعه «معجزه آینه» منتشر شد. اتفاقا سالهاست با یکدیگر دوست هستیم اما همکاری‌های دیگری نداشته‌ایم و خداراشکر اثر مذکور یکی از بهترین آثار اوست. با فریاد چند همکاری مشترک داشتیم اما ایشان در مقطعی مهاجرت کرد و از ایران رفت و حال از او بی‌خبرم. در حال حاضر با اشکان محسنی همکاری می‌کنم و قرار است آثاری را تولید و ارائه کنیم.

◆ اینکه به عنوان متخصص در موسیقی با خوانندگان جوان همکاری می‌کنید اتفاق خوبی است. دلیل این نوع همکاری‌ها از سوی شما چیست و چه سختی‌هایی دارد؟

به هرحال همکاری با خوانندگان جوان دشواری‌های خودش را نیز دارد، اما مهمترین دلیل این است که خوانندگان جوان در تصمیم‌گیری‌ها دستم را بازمی‌گذارند. البته این ویژگی شامل حال همه خوانندگان نمی‌شود. به طور مثال امین رستمی یکسری نظرها دارد که درباره‌شان اتفاق نظر نداریم مثلا اینکه از منظر و پنجره احساسی به ماجرا نگاه می‌کند. اما موضوعاتی هست که به منطق و علم و مواردی از این دست بازمی‌گردد و خب برای فردی چون من که تحصیلات آکادمیک موسیقی دارم، مهم است. مثلا برخی توقع دارند از یک ملودی که شعر آرامی دارد و غمگین است اثری ریتمیک تولید شود! این نوع پارادوکس‌ها برایم قابل پذیرش نیست و چنین نظراتی در منطق من نمی‌گنجد.

◆ البته چنین توقعاتی اغلب متعلق به نسل‌های جدید عرصه پاپ است.

درست است. این را هم در نظر داشته باشید که خوانندگان جدید حرف گوش کن‌تر هستند. البته من در کار اهل گفتگو و تعامل و تشریک مساعی هستم و اینگونه نیست که نظر یا نظراتم را به دیگران تحمیل کنم، اما نهایتا طی همکاری با خوانندگان جوان برای اخذ تصمیمات دستم بازتر است. با این وجود؛ تاثیر تهیه‌کنندگان را نباید نادیده گرفت. متاسفانه برخی تهیه‌کنندگان موسیقی را شخم زده‌اند و رفتند و عده‌ای هم هستند که برای ترمیم خرابکاری‌ها تلاش می‌کنند. واقعیت این است که به سبب فعالیت همان تهیه‌کننده‌ها گوش جامعه بیمار است. تعداد آثاری که محتوای موسیقایی و کلامی دارند، بسیار معدود است این یعنی هستند خوانندگانی که هنوز آثار خوب ارائه می‌دهند و کیفیت برایشان مهم است. احسان خواجه امیری یکی از همین افراد است که همچنان آثار خوب تولید می‌کند. روزبه بمانی نیز از ترانه سرایان و خوانندگانی است که آثار خوب تولید می‌کند. چنین خوانندگانی بسیار انگشت شمارند. سال گذشته دو تن از خوانندگان بی‌سواد پاپ برنامه لایو برگزار کرده بودند که بسیار خبرساز شد به این دلیل که اصطلاحات غلطی چون «تی مینور» را به کاربردند که اصلا در موسیقی وجود ندارد. چند روز پیش متوجه شدم که یکی از همان خواننده‌ها مهاجرت کرده تا فعالیت‌هایش را در خارج از ایران ادامه دهد! این فرد و چنین افرادی که تعدادشان کم نیست، میوه درختی هستند که همان تهیه‌کننده‌ها کاشته‌اند و پرورش داده‌اند. نوک پیکان همیشه به سمت تهیه‌کننده‌های موسیقی است، به این دلیل که آن‌ها هستند که تعیین‌کننده‌اند و برای موسیقی تصمیم می‌گیرند. زمانی که فلان تهیه‌کننده همراه با خواننده‌اش جلسه می‌گذارد و پشت تریبون می‌رود و می‌گوید من تاجرم و حتی اسم خواننده را من تعیین می‌کنم، اوضاع از این بهتر نمی‌شود.

◆ مسلما خواننده خوب کم نداریم، اما مشکل اینجاست که مورد توجه تهیه‌کنندگان امروزی نیستند.

بسیار می‌شنوم به آن عده‌ای که کم کارند یا فعالیتی ندارند، می‌گویند شما و دیگر همنسلان‌تان کنار کشیده‌اید و باعث شده‌اید موسیقی به این روز بیفتد! در صورتی که اینگونه نیست. تهیه‌کننده‌ها پل ارتباطی میان هنرمندان و حاکمیت هستند و این واقعیتی است که وجود دارد. حال اگر برخی خوانندگان امروزی را کنار هم بگذارید مجموع سواد همه آن‌ها سر سوزنی خلاء هنرمندانی چون خشایار اعتمادی را پر نخواهد کرد. خشایار اعتمادی، علیرضا عصار، زنده‌یاد ناصر عبداللهی، نیما مسیحا، مانی رهنما و حمید حامی خوانندگانی هستند که سواد موسیقی دارند و باتجربه‌اند.

◆ چاره کار چیست؟

قبلا نیز گفته‌ام که اهالی رسانه باید سراغ این مسائل بروند. مثلا می‌بینم برخی افراد که برای خودشان شبکه و رسانه‌ای راه‌اندازی کرده‌اند و با برخی فعالان مصاحبه می‌کنند. همه این اتفاقات مقولاتی کارگردانی شده هستند که بیشتر جنبه تبلیغاتی دارند. اما دردها و زخم‌هایی وجود دارد که درباره‌شان صحبت نمی‌شود و این وظیفه اهالی رسانه است که به آن‌ها بپردازند.

◆ نظرتان درباره مواجهه مسئولان با هنرمندان عرصه موسیقی چیست؟

من سه سال ممنوع‌الکار شدم و برای پیگیری ماجرا به وزارتخانه و دفتر حراست رفتم. حال اینکه برای ادامه فعالیت چه پیشنهاداتی مطرح شد، بماند اما فردی که پاسخگوی من بود، حرف جالبی زد. او گفت ما می‌خواهیم بچه‌ها زیر چتر نظام بیایند. من گفتم اگر چنین قصدی دارید لطف کنید در ابتدا برای بچه‌های موسیقی قراردادی تهیه و تنظیم کنید تا هرکه از راه می‌رسد سرشان کلاه نگذارد و پولشان را نخورد و در آخر نیز به راحتی آن‌ها را از ارکستر یا پروژه بیرون نیندازند.

◆ به چه دلیل و در چه مقطعی ممنوع‌الکار شدید؟

این موضوع مربوط به مقطعی است که آلبوم «خاطرات گمشده» فریدون آسرایی منتشر شد. یعنی اول خردادماه سال ۱۳۹۰. در آن مقطع گروه مهدی یراحی دستم بود. هفته آخر مرداد یا شهریور همان سال بود که مهدی یراحی برای ثبت گروه اقدام کرد که حراست به او گفت پاشا یثربی ممنوع‌الکار است. آبان ماه سال ۱۳۹۱ با فریدون آسرایی در برج میلاد کنسرت داشتیم و من به عنوان آهنگساز آلبوم «خاطرات گمشده» و رهبر ارکستر فریدون نتوانستم روی صحنه بروم، زیرا ممنوع‌الکار بودم. هیچ وقت هم دلیل ممنوع الکاری‌ام مشخص نشد و دراینباره هیچ توضیحی به من ندادند. در واقع خودشان بریدند و دوختند.

◆ طی چند ماه گذشته به چه فعالیت‌هایی مشغول بوده‌اید و با چه خوانندگانی همکاری داشته‌اید؟

فعالیت‌هایم را نسبت به قبل خیلی محدودتر کرده‌ام. درست است که طی چند ماه گذشته درگیر بیماری کرونا بوده‌ایم اما موسیقی پیش از آن نیز با مشکلات و کم و کاست‌هایی مواجه بوده و در کل شرایط خوبی نداشته است. باید بگویم دیوار موسیقی کوتاه‌ترین دیوار است و در کشور ما هر اتفاقی می‌افتد کار ما اصطلاحا می‌خوابد و فعالیت‌هایمان متوقف می‌شود. به طور کلی نه فقط به خاطر کرونا، بلکه به دلیل مسائل شخصی و بازاری که تهیه‌کنندگان ایجاد کرده‌اند، ترجیحم این است کمتر کار کنم. باید افزود که در مواقع عادی و در شرایط آرام و معمول هیچگونه حمایتی از سوی ارشاد و دیگر نهادها وجود نداشته و طبیعتا در شرایط بحران نیز حمایت و توجهی وجود ندارد. به طور واضح باید اینگونه گفت که نهادهای مربوطه کاری برای موسیقی نکرده و نمی‌کنند، زیرا مسئولان ما موسیقی را دوست ندارند.

◆ کرونا آموزشگاه‌های موسیقی را نیز تعطیل کرده و فعالان این عرصه نیز شرایط نابسامانی دارند.

بله، من نیز در زمینه آموزش و تدریس نیز فعال هستم، اما فعالیت‌هایم در این زمینه نیز به دلیل وجود محدودیت‌ها و پروتکل‌ها و لزوم رعایت آن‌ها رفته رفته کم شد. البته مردم نیز می‌ترسند و حق هم دارند، زیرا حضور فرزندانشان در کلاس‌های آموزش خطرآفرین است. حتی اگر اصول بهداشتی را رعایت کنیم به هرحال این اپیدمی وجود دارد و خطر ابتلا نیز بالاست. شیوه آموزش آنلاین نیز آنچنان کاربردی ندارد، زیرا لزوم برگزاری کلاس‌های آموزشی هنری، بخصوص موسیقی، حضور فیزیکی هنرجویان است. آموزش آنلاین برای دروس عمومی و تئوری شیوه مناسب‌تری است و همانطور که می‌دانید در حال حاضر مدارس با این شیوه به آموزش دانش‌آموزان مشغول هستند که البته مجبورند با این رویه به فعالیت ادامه دهند، زیرا راه دیگری ندارند.

بهمن بوستان، مردی که خلاصه یک فرهنگ بود

بخش فرهنگی – اگر بخواهیم از پژوهشگران حوزه فرهنگ ایرانی نام ببریم، بدون شک نام «بهمن بوستان» تداعی خواهد شد؛ مردی که با ساخت برنامه‌های موسیقی تلویزیونی نقش بسیاری در معرفی هنرمندان بزرگ وقت و اشاعه موسیقی کلاسیک ایرانی در آن زمان داشت. فردی که از حافظه‌ای باورنکردنی بهره‌مند بود و حضور در کنار او هیچ گاه خالی از لطف نبود. بهمن بوستان ـ پژوهشگر موسیقی ایرانی و ادبیات فارسی، عضو سابق هیات مدیره کانون پژوهشگران خانه موسیقی ایران و مبدع نخستین برنامه‌های معرفی و شناخت موسیقی در تلویزیون ایران بود.

او در دهه ۴۰ به استخدام سازمان رادیو و تلویزیون درآمد و همکاری خود را با این نهاد آغاز کرد. وی با طرح و تهیه برنامه‌هایی نظیر «هفت شهر عشق»، «بشنو از نی» و «سلامی چو بوی خوش آشنایی» با همراهی هنرمندانی نظیر احمد عبادی، حسن کسایی، جلیل شهناز، علی‌اصغر بهاری، لطف‌الله مجد و ... به گسترش موسیقی ایرانی از طریق رادیو و تلویزیون پرداخت. بهمن بوستان متولد ۲۲ آذر سال ۱۳۱۴ بود و ۲۷ آبان ۱۳۹۳ در ۷۹ سالگی درگذشت.

از آنجا که مدت زیادی از سالروز تولد بوستان نمی‌گذرد، تصمیم گرفتیم برای گرامیداشت و یادآوری یاد و خاطره او، در صحبتی با میرعلیرضا میرعلی‌نقی (پژوهشگر حوزه تاریخ موسیقی شهری ایران)، برخی از اقدامات و فعالیت‌های بوستان را در حوزه موسیقی بررسی کنیم.

بوستان و ساخت برنامه‌های موسیقایی در تلویزیون

در ابتدا به مساله ساخت برنامه‌های پخش زنده موسیقایی در تلویزیون توسط بوستان پرداختیم. میرعلی‌نقی توضیح داد: آقای بوستان جزو افرادی بود که ساخت برنامه‌های موسیقی را در تلویزیون جدی گرفت و در مقام تهیه کننده حضور پیدا کرد. تا پیش از ایشان برنامه‌های اجرای موسیقی از تلویزیون از سال ۱۳۳۷ که اولین شبکه خصوصی تلویزیون در ایران تأسیس شد، پخش می‌شد. بعدا که شبکه تلویزیون دولتی شد و دولت وقت آن را خرید، برنامه‌های مختلفی در زمینه موسیقی پخش می‌شد که بیشتر شامل اجراهای ارکسترهای وزارت فرهنگ و هنر بود. گاهی نیز اجراهایی از هنرمندان تک‌نواز رادیو که بیشتر موسیقی اصیل ایرانی را اجرا می‌کردند، پخش می‌شد.

او ادامه داد: زنده‌یاد بهمن بوستان در محیط شعر، ادب و موسیقی متولد شده بودند و خانواده ایشان با نخبه‌ترین ادبا، شعرا و موسیقیدان‌ها معاشرت داشتند و بدین ترتیب ایشان در یک ریشه و زمینه فرهنگی متولد و رشد کرده بودند. ایشان در حدود سال‌های ۱۳۴۷ یا ۱۳۴۸ که در نیمه اول دهه ۳۰ سالگی و در اوج توانایی جسمی، روحی، اجرایی و ذهنی خود بودند، با استفاده از استعداد برنامه‌سازی خویش، تعدادی از هنرمندان نخبه را که مردم تا پیش از آن تنها با صدای ساز یا آواز آنها آشنایی داشتند، به تلویزیون سیاه و سفید آن زمان که تنها چند ساعت در روز برنامه داشت، بردند و به مردم معرفی کردند. این پژوهشگر حوزه تاریخ موسیقی شهری ایران تصریح کرد: البته پیش از این برنامه‌ها، ارکسترهای وزارت فرهنگ و هنر در تلویزیون برنامه داشتند ولی آقای بوستان چند تن از موسیقیدان‌های به نسبت قدیمی را که مردم هیچ گاه چهره و طرز ساز زدن آنها را ندیده بودند، مقابل دوربین تلویزیون آورد. مثلا می‌توان از زنده یاد اکبر محسنی (آهنگساز و نوازنده تار و عود) نام برد. همچنین آقای بوستان با چهره‌های جوان تری هم معاشرت داشتند که اولین برنامه رادیویی را آقای بوستان از آنها تهیه کرد؛ مانند خواننده مطرح معاصر زنده یاد محمود محمودی خوانساری. البته آقای خوانساری اساسا با دیده شدن از طریق تلویزیون موافق نبود و ترجیح می‌داد صرفا در رادیو شنیده شود. البته افراد دیگری هم بودند که معرفی و دیده شدن خود را مدیون زنده‌یاد بهمن بوستان هستند.

او با بیان اینکه بوستان در رسانه‌ای کردن تصویر هنرمندان، نقش جدی در موسیقی کشور داشت، گفت: از سال ۵۱ یا ۵۲ به بعد زمینه کار رسانه‌ای آقای بوستان به رادیو متمرکز شد و رادیو را رسانه فرهنگی‌تری می‌دید. البته امروزه هم قشر نخبگان و فرهیختگان ما رادیو را دارای وزن و اعتبار فرهنگی دیگری می‌دانند، گرچه که تلویزیون فضای بیشتری برای دیده شدن در اختیار آنها قرار می‌دهد.

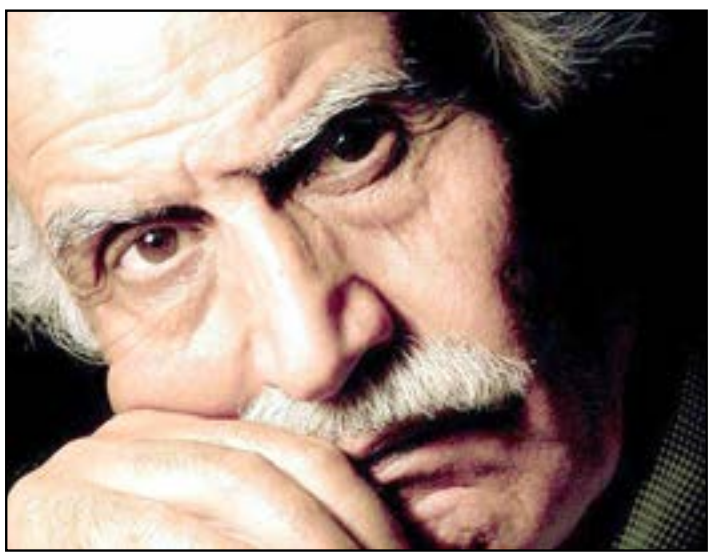

پژوهش‌های تأثیرگذار بوستان در زمینه موسیقی زورخانه‌ای

گفته می‌شود که بوستان تحقیقات ارزنده‌ای در زمینه موسیقی زورخانه‌ای انجام داده است. در همین راستا در بخش دیگری از گفت‌وگو به فعالیت‌های بوستان در این زمینه پرداختیم. میرعلی‌نقی در ابتدا به تحقیقات و پژوهش‌هایی که پیش از بوستان روی موسیقی زورخانه‌ای انجام شده بود، پرداخت و بیان کرد: پژوهش در زمینه موسیقی زورخانه‌ای از زمان حیات استاد ابوالحسن صبا آغاز شد، منتهی به صورت فردی و خیلی محدود. بعضا چند تن از فرانسه به این نوع موسیقی ضربی که جزو موسیقی‌های شهری است و ریشه روستایی، ایلی یا بومی ندارد، توجه کردند. همچنین زمانی که زنده یاد پروفسور آلن دنیلو (موسیقی شناس فرانسوی) در سال‌های اوایل دهه ۴۰ در زمینه موسیقی شرقی و به ویژه روی موسیقی هندوستان کار می‌کردند، یکی دو صفحه گرام (۴۵ دور) در ابعاد کوچک از موسیقی زورخانه‌ای تهران توسط کمپانی‌های فرانسوی از جمله کمپانی ووگ منتشر کرد که به گمانم حاوی ضرب و آواز مرحوم جعفر شیرخدا است که مرشد معروف وقت بود.

او اضافه کرد: همچنین پایان نامه‌ای در اوایل دهه ۵۰ در گروه موسیقی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران ارائه شد که درباره موسیقی ضرب‌های زورخانه بود. مرحوم ابوالقاسم داروغه کاظم (شناخته شده با نام کامران داروغه؛ نوازنده ارزنده ویولن و کمانچه) نویسنده آن بود که حدود ۱۰ سال پیش فوت کرد. آن پایان‌نامه به اضافه نت نویسی‌ها با همکاری استاد محمد اسماعیلی به گروه موسیقی برای اخذ مدرک لیسانس ارائه داده شد که متأسفانه به انتشار نرسید ولی نسخه آن موجود است.

میرعلی در ادامه به پژوهش‌های بوستان در زمینه موسیقی زورخانه‌ای پرداخت و بیان کرد: پژوهش آقای بوستان سال‌ها بعد آغاز شد و از رنگ دیگری بود که به نظر من ماندگارتر است. به دلیل اینکه نه از دیدگاه صرفا مردم شناس و متخصص است که محدود به تخصص خود باشد و نه از دیدگاه موسیقی شناس متخصص است که صرفا محدود به دیدگاه‌های فنی موسیقی شناسی باشد. درواقع پژوهش آقای بهمن بوستان در حوزه خیلی جالبی از بینامتنیتی بود که تاریخ، فرهنگ عامه، موسیقی و مردم شناسی را دربر می‌گرفت و برخلاف بسیاری از محققان نسل بعد پژوهشگری بود میدانی و مرد عمل. او وسط میدان می‌رفت، سوژه‌ها را پیدا می‌کرد، مصاحبه می‌کرد، نوار ضبط می‌کرد و از زوایای مختلف از این افراد اطلاعات می‌گرفت. زمانی که ایشان می‌خواستند مصاحبه‌های میدانی بگیرند، چون با اقشار مختلف زندگی کرده بود، زبان هر قشری را می‌دانست. یعنی به خوبی می‌دانست که با مرشد زورخانه، کرنانواز دشت بختیاری و یا یک مداح با چه لحن و بیانی باید صحبت کند.

او ادامه داد: آقای بوستان برای تحقیقات خود از مشاوران محلی و معتمدان زیادی استفاده می‌کرد که حاصل روابط عمومی گسترده ایشان بود. مثلا می‌توان از مرحوم بهمن‌پور نام برد که یکی از استادان معماری قدیم تهران و ساکن میدان خراسان تهران بودند. آقای بهمن‌پور با صنف مرشدان و زورخانه‌ها دوستی داشتند و افراد بسیار دست اولی را به آقای بوستان معرفی کردند که برخی از آنها سن بالایی داشتند و اگر تحقیقات آقای بوستان نبود، اطلاعات آنها هیچگاه منتقل نمی‌شد. نمی‌دانم این تحقیق در چه وضعیتی است، آیا منتشر می‌شود یا نه؟ ولی می‌دانم آخرین قدم بزرگ در زمینه تحقیقات میدانی موسیقی زورخانه‌ای را آقای بهمن بوستان برداشته‌اند.

بوستان پژوهشگر کلان فرهنگی ایران بود

او با تأکید بر اینکه بوستان را نباید تنها پژوهشگر موسیقی دانست، گفت: به نظر من باید ایشان را پژوهشگر مردم شناسی یا کلان فرهنگی ایران دانست؛ چون در زمینه شعر و ادب، مکاتب خوشنویسی، فرهنگ‌ها و طوایف به ویژه اصفهان و بختیاری شناخت ویژه داشت. او یک ایرانشناس بزرگ و بسیار پرشور و عاشق بود که متأسفانه شرایط تاریخی و اجتماعی ما در حالی حاضر به ندرت چنین افرادی را پرورش می‌دهد. میرعلی‌نقی همچنین درباره ویژگی‌های شخصیتی بوستان توضیح داد: آقای بوستان شخصیت گرم، قوی و گیرایی داشتند و در هر جمع و محفلی که وارد می‌شدند، افراد، خواه ناخواه ساکت می‌شدند تا بیانات ایشان را شنیده و استفاده کنند. ایشان همچنین بسیار دقیق و نکته بین بودند، یکی از نکات تحسین آمیز شخصتی آقای بوستان این بود که هیچگاه به حافظه خود تکیه نمی‌کرد و همه چیز حتی کوچکترین نکات را یادداشت می‌کرد. انبوهی از یادداشت‌ها از ایشان باقی مانده که نزد فرزندان‌شان است. نکاتی که در این یادداشت‌ها است، در هیچ کتاب و رسانه‌ای نیست و حاصل استخراج منابع دست اول است. او در پایان گفت: خیلی اوقات دلتنگ ایشان می‌شوم. چند سال پیش از بیماری ایشان، به علت عضویت هر دوی ما در شورای پژوهشگران خانه موسیقی، معاشرت‌های طولانی داشتیم. آقای بوستان جزو مردانی بود که هیچ گاه مصاحبت با او خالی از نکات مفید نبود و همیشه چیز جدیدی از او می‌آموختی. ایشان هیچگاه صحبت‌هایشان را درباره یک نفر تکرار نمی‌کرد و همیشه می‌دانست به چه کسی چه گفته است. او در دوره خود اسطوره حافظه بود و چیزهای شگفت انگیزی از ایشان در این رابطه دیدم. فرض کنید کتاب گلستان سعدی را باز می‌کردیم و ایشان بدون هیچ اشتباهی تا حدود ۱۰۰ صفحه را از حفظ می‌خواند. گاهی نیز اسناد را بر اساس آمار و ارقام از حفظ بودند. امیدوارم که آثار ایشان منتشر شود که جامعه درباره او دچار فراموشی نشود.